

زمانه‌ای که بر مهدوی کنی و کودکی او گذشت

۱۹ دی ۱۴۰۲ ساعت ۲۳:۴۷

آیت‌الله مهدوی کنی ظلم و ستم حکام حکومتی و خان‌های ولایتی را می‌دید و با خود عهد کرده بود روزی علیه بساط بیداد قیام کند. او می‌دید که چگونه مادرش از ترس اینکه ماموران رضاخان چادر از سرش نکشند، از خانه خارج نمی‌شود

دوران کودکی آیت‌الله مهدوی کنی، مصادف با حکومت پهلوی اول و اجرای قانون کشف حجاب و برخی از اقدامات ظالمانه بود. اقداماتی که در شکل‌گیری نگرش بدبینانه و اعتراضی ایشان نسبت به حکومت پهلوی بسیار تاثیرگذار بود. «او ظلم و ستم حکام حکومتی و خان‌های ولایتی را می‌دید و با خود عهد کرده بود روزی علیه بساط بیداد قیام کند. او می‌دید که چگونه مادرش از ترس اینکه ماموران رضاخان چادر از سرش نکشند، از خانه خارج نمی‌شود و مدت‌ها بود که دیگر حتی به اقوامشان در تهران، که دو قدم تا کن فاصله داشت، هم سر نمی‌زند. روزی هم امنیه‌ها جلوی خواهر هفت هشت ساله‌اش را که از مکتب خانه برمی‌گشت گرفته بودند و چادر از سرش کشیده و آن را پاره پاره کرده و بعد هم داد زده بودند. همین طوری برو خانه‌ات! او آن روز تلخ و چشمان گریان خواهر شان و چهره گرفته و دردناک پدر را از یاد نمی‌برد و هر موقع یاد آن روز و روزها می‌افتاد، دلش به درد می‌آمد. پدر نیز وضع حال روحی بهتری نداشت. تا قبل از این هر سال مجلس عزاداری امام حسین (ع) در منزل برگزار می‌کرد، عزاداران در دهه محرم می‌آمدند، عزاداری می‌کردند و می‌رفتند و ثوابش می‌ماند برای پدر. با آن همه شور و شوقی که داشت، حالا اجاق‌های خشتی محرم خاموش شده و دیگ و دیگبرگ‌ها هم گوشه انبار متروک، افتاده بود. پدر زانوی غم به بغل گرفته بود، مدام غرولندی می‌کرد و می‌گفت: آخر به زن و بچه‌ها چکار دارید!! چرا اینقدر از امام حسین (ع) هراس دارید که از نامش و خیمه عزایش می‌ترسید!! خدا ریشه‌های ظلمتان را بکند..»

منبع: مهدی قیصری، یار امام، یاور امام، زندگی و مبارزات آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، صص ۳۶-۳۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49469/گذشت-او-کودکی-کنی-مهدوی-ای-زمانه/>